

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن اعجاز جهانی و جاودانی اسلام

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم

نام جزوه: قرآن اعجاز جهانی و جاودانی اسلام

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

فهرست مطالب

- پیامبران و اعجاز..... ۵
- قرآن جاودانه‌ترین اعجاز..... ۷
- فصاحت و بلاغت بی‌مانند..... ۹
- قضاوت دشمنان..... ۱۲
- اسلوب و شیوه بی‌همانند..... ۱۷
- هم‌آهنگی مطالب..... ۱۷
- اعجازهای علمی قرآن..... ۱۹
- اینک نمونه‌هایی از آن اعجازها:..... ۲۰
- قرآن تحدی می‌کند..... ۲۸
- اعجاب و اعتراف دانشمندان بیگانه..... ۳۲

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۵

پیامبران و اعجاز

پیامبران الهی، همواره با نشانه‌هایی روشن برانگیخته می‌شدند تا مردم باور آورند که آنان از جانب پروردگار در رسیده‌اند.

از این رو، آنان که ضمیری چون آینه، روشن و چون زلال چشمه‌سارها، شفاف و پاک داشتند، تا آن نشانه‌ها را می‌دیدند؛ دل می‌سپردند و ایمان می‌آوردند.

چنان‌که افسونگران زمان فرعون، چون اعجاز شگفت موسی (علیه‌السلام) را دیدند که چگونه عصایش، ازدهایی سهمگین شد و دانستند که از توان

۶ / قرآن اعجاز جهانی و جاودانی

بشری بیرون است؛ بدو ایمان آوردند و از تهدید فرعون نهراسیدند.

حواریون عیسی (علیه السلام) نیز، تأثیر نفس او را به چشم دیدند که در کالبد مردگان می دمید و به خواست خدای، مرده برمی خاست و جان می گرفت. به او گرایش یافتند و روح و جان مرده‌ی خویش را با ایمان به عیسی (علیه السلام)، حیات جاودان بخشیدند.

پیامبر اسلام که آخرین پیامبران و مهم‌ترین و بهترین آنان بود، و دینی جاودانه آورد که مکمل همه‌ی ادیان الهی شد و تا رستخیز، همواره خواهد بود؛ به هنگام برانگیختگی، با نشانه‌هایی روشن از

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۷

جانب خدای آمد، تا دلایلی آشکارا بر حقانیت دین راستین و بهترین او باشد.

قرآن جاودانه‌ترین اعجاز

چنین شد که قرآن، سند جاودانگی اسلام، در آفاق فکر و اندیشه‌ی بشری درخشید.

مشعلی که بر تارک دین بلند محمد (صلی‌الله علیه و آله) در بالاترین ستیغ خردهای روشن بشری، همواره فروزان است. و همواره تا خورشید از خاور می‌دمد، فروزان خواهد بود. منشور الهی روشنی است که انوار آن، چون پرتو خورشید، در همه‌ی اعصار و قرون و همیشه و تا جاودان، برای ادامه‌ی حیات و تأمین سعادت مردم، از هر طبقه ضروری است.

۸ / قرآن اعجاز جهانی و جاودانی

در آن شالوده و اساس، آنچه برای هدایت
مردمان لازم است، آمده است.

اصول اعتقادات و نیز روابط انسان و خدا و
راه‌های استحکام این رابطه را با گفتاری به نرمی
آب‌های زلال جویباران زمزمه‌گر؛ و به استواری
کوه‌های ایستاده، جذّاب و شیوا و محکم، بیان
می‌کند.

وظایف اجتماعی مردم را شرح می‌دهد، راه و
رسم معاشرت را می‌آموزد.

اختلاف طبقاتی و فاصله‌های ناهماهنگ را
برمی‌چیند.

خواهان برتری «انسان» و برادری و برابری و
تربیت آنهاست.

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۹

فصاحت و بلاغت بی مانند

احاطه به لغات و در دسترس داشتن واژه‌ها، چندان دشوار نیست اما، ترکیب و نیز ترتیب و تنظیم آن‌ها به شیوه‌ای که رعایت فصاحت و بلاغت شده باشد و هم جمله‌بندی به گونه‌ای باشد که بیان در همان حال که در دسترس ذهن خواننده است، در بالاترین جایگاه باشد، کاری است که بی رعایت قواعد باریک و دقیق ادبی و مهارت و ذوقی سرشار، انجام‌پذیر نیست.

در فنّ «فصاحت و بلاغت» آمده است که:

برای «فصاحت و بلاغت» در هر گفتار یا

نوشتار، رعایت سه موضوع ضروری است:

نخست: احاطه به واژه‌ها و معانی

۱۰ / قرآن اعجاز جهانی و جاودانی

دو دیگر: قدرت فکر و لطافت ذوق

سه دیگر: قدرت بیان یا قلم

اما، همواره باید در نظر داشت که اگرچه همه‌ی قواعد و ضروریات فصاحت و بلاغت نیز، رعایت شود باز کسی نمی‌تواند مدّعی گردد که نوشته یا گفته‌ی او در همه‌ی زمان‌ها «برترین» است و کسی همانند آن نمی‌تواند آورد.

اما، خداوند متعال، که حوزه‌ی قدرت و دانش او را پایانی نیست، از ترکیب و تنظیم کلمات، در قرآن سخن را به گونه‌ای آراسته است تا هیچ‌کس گر چه بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین مردمان، نظیر آن، نتواند آورد. و این است رمز جاودانه بودن قرآن و سند پیامبری جاوید حضرت محمد (صلی الله علیه و آله).

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۱۱

قرآن به گواهی تاریخ در روزگاری درخشید؛ که عرب در اوج ترقی ادبی بود. شعرای نامی و خطبای بزرگی چون امرؤالقیس و لبید و... که هنوز از نوابغ عرصه‌ی ادب بشمارند، اشعاری می‌سرودند و سخنانی ایراد می‌کردند که گاه تا حدی دل‌نشین و بلند بود که بر پرده و یا به لوح زرین می‌نوشتند و بر دیوار کعبه می‌آویختند.

اما همین آثار، به طلوع خورشید فروزنده‌ی قرآن، چون ستارگان، رنگ باختند و غروب کردند. عرب بلیغ از بلاغت قرآن در حیرت ماند تا آنجا که دشمنان پرخاشجوی اسلام و محمد (صلی الله علیه و آله)، که حتی در محو او و دینش دست به تیغ بردند؛ با همه‌ی تلاش‌هایشان از گرفتن یک اشتباه یا حتی

کوتاهی در زبان و بیان قرآن، دریغ خوردند، چراکه نمی‌توانستند.

قضاوت دشمنان

خوش‌تر آن باشد که وصف دلبران

گفته آید در کلام دیگران

ایام حج بود^۱، مردم از همه‌جا به مکه می‌آمدند.

و قریش ناراحت بود چراکه بیم داشت خیر پیامبری

محمد (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) در تازهوردان تأثیر

بگذارد. پس گروهی از قریش با ولید که سرکردگی

داشت؛ گرد هم آمدند تا همه به ناروا به پیامبر نسبتی

ببندند و بدین گونه تازه‌واردان را از ملاقات پیامبر

۱. حج از سنت‌هایی بوده است که پیش از اسلام به گونه‌ای،

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۱۳

بازدارند. چون جمع شدند، یکی گفت: می‌گوییم این
مرد کاهن است.

ولید گفت: باور نخواهند داشت چون سخنان او
همانند گفته‌ی کاهنان نیست.

دیگری گفت: می‌گوییم دیوانه است.

ولید گفت: هیچ‌کس نمی‌پذیرد چراکه گفتار و
کردار او به دیوانگان مانند نیست.

گفتند: می‌گوییم شاعر است.

گفت: این را نیز نمی‌پسندند، چراکه عرب به
همه‌ی گونه‌های شعری آشناست و کلام او به شعر
نمی‌ماند.

گفتند: می‌گوییم جادوگری است.

گفت: جادوگران روش ویژه‌ای دارند چون
گره زدن نخ و دمیدن و... و محمد (صلی الله علیه و
آله)، کارهایی از این گونه، نمی‌کند. آنگاه ولید خود
اظهار داشت: سوگند به خدا، سخن این مرد
حلاوت و دلچسبی ویژه‌ای دارد.

سخن او، همانند درختی است انبوه،
باریشه‌هایی استوار و عمیق و شاخه‌هایی که از
پرباری خمیده‌اند.

پس می‌توانیم به مردم بگوییم: گفتار او
سحرآمیز است چراکه بین پدر و فرزند و همسر و
شوهر و برادر جدایی می‌افکند.^۱

۱. این گفتار ولید اشاره است به این‌که: هر تازه مسلمان، با
قبول اسلام در مسیر دیگری قرار می‌گرفت چندان‌که گاه ←

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۱۵

مَلَّت‌های غیر عرب برای شناخت فصاحت و بلاغت و نیز برای پی بردن به این‌که قرآن در حدّ اعلاّی فصاحت و بلاغت است؛ می‌توانند رجوع کنند به گفته‌ی سخن‌سنجان عرب همان روزگاران - که در تاریخ ثبت شده است - و هم به نوشته‌هایی که در همین عصر، در این زمینه قلمی شده و اعتراف آنان‌که متخصص این رشته هستند.

خوشبختانه از زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) تاکنون در همه‌ی دوره‌ها متخصصین فنّ بلاغت و ادبیات عرب به فصاحت و بلاغت بی‌مانند قرآن اعتراف کرده و خود را در برابر آن، عاجز دانسته‌اند.

→ مجبور می‌بودند دست از خویشاوندان بشویند و یا با عقاید آنان مخالفت ورزند.

همچنان که نویسندگان معاصر عرب:
عبدالفتاح طیاره، دانشمند معروف معاصر
می نویسد:

«علماء و ادباء و نویسندگان هر عصری به
اعجاز قرآن اعتراف کرده و خود را در برابر آن
عاجز دیده اند.»

تاریخ عرب رجال نامی زیادی که در نثر و یا در
نظم برتری ویژه ای داشته اند، چون ابن مقفع، جاحظ،
ابن عمید، فرزدق، بشار، ابونواس، ابوتمام، و... را
معرفی می کند اما آنان همه در برابر قرآن خضوع
کرده اند و ناگزیر به اعتراف شده اند که قرآن عزیز، از
جنس کلام بشری نیست و وحی الهی است^۱.

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۱۷

اسلوب و شیوه بی‌همانند

دکتر طه حسین، ادیب توانای معاصر می‌گوید:

«قرآن، برتر از حد نظم و نثر است چراکه ویژگی‌هایی دارد که در هیچ نثر و نظم نمی‌توان یافت پس قرآن را نمی‌توان نظم یا نثر نامید بلکه باید گفت: قرآن است و بس.»

و این ممتاز بودن و یگانه بودن، نتیجه‌ی ویژگی زبان و بیان و اسلوب قرآن است. و در هیچ‌یک از آثار عرب، نظیر آن نمی‌توان یافت.

هم آهنگی مطالب

نوشته یا گفته‌ی هر کس، هرچند چیره‌دست و یا شیرین‌گفتار باشد، باری در شرایط و حالات مختلف یکدست نخواهد بود، به‌ویژه کارهایی که در روزهای

نخستین نویسندگی از هر نویسنده به جا مانده با آثاری که پس از سالیان و بر اثر تجربه‌های بیشتر و تمرین مکرر، به جا گذارده است، بسیار تفاوت می‌کند و همیشه آثار بعدی بهتر است.

اما قرآن، با آنکه در طی ۲۳ سال شده است، با آنکه در شرایط مختلف نازل شده است و چون رودباری دراز که از بستر سنگلاخ‌ها، شن زارها، تنگه‌ها، دره‌ها و دشت‌های گوناگون بگذرد، از حوادثی شگرف، در گذشته اما همواره، چون سرچشمه، زلال مانده است. یکدستی و هماهنگی مطالب و اسلوب و شیوه و بیان قرآن، شگفت‌انگیز است. این شگفتی وقتی به اوج می‌رسد که می‌بینیم با آنکه در محتوای قرآن، از رشته‌های گوناگونی سخن

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۱۹

به میان آمده اما اسلوب و یگانگی بیان و جهت، یکدست مانده است...

آشکار است هرکس که فقط در یک رشته‌ی خاص، به حدّ استادی رسیده است، اگر در همان رشته کاری ارائه کند، درخشان خواهد بود اما همین که خواست در رشته‌های دیگر نیز - که در آن‌ها استاد نیست - توان خویش بیازماید؛ حتماً کاری برجسته ارائه نخواهد کرد. اما قرآن، در هر زمینه‌ای تا حدّ شگفتی، درخشیده است.

اعجازهای علمی قرآن

اگرچه هدف نخستین و اصلی قرآن، به تصریح خود آن، تنها هدایت مردم به شاهراه سعادت و نیکبختی در زندگی دنیوی و آن دنیایی مردم است اما

۲۰ / قرآن اعجاز جهانی و جاودانی

جای جای، در ضمن پیگیری آن هدف والا؛ حقایقی بسیار از دانش‌های بشری در رشته‌های علوم طبیعی و فیزیولوژی و هیأت و... بیان داشته است. و این خود نشانه‌ی بلند دیگری است بر اعجاز قرآن. چراکه پیامبر به گواهی تاریخ مسلم، هرگز درس نخوانده بود و نیز در محیطی می‌زیست که از دانش و معارف بشری (غیر از ادبیات) به‌کلی بی‌بهره و از مراکز علمی آن روز چون یونان، روم و ایران به دور بودند.

اینک نمونه‌هایی از آن اعجازها:

الف: هواشناسی دانشی است که بسیار نوپاست؛ آگاهی‌های گذشتگان درباره‌ی پدید آمدن ابر و باران و برف. از حدود حدسیات و حسیات تجاوز نمی‌کرد

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۲۱

و به‌طور کلی جنبه‌ی خیالی و احتمالی داشت و بر مبنای علمی بنیان‌گذاری نشده بود.

ناخدایان و کشاورزان، هر یک نشانه‌ها و قرینه‌هایی برای پیشگویی باد و باران داشتند؛ اما از چگونگی پیدایش آن خبری نداشتند. هزاران سال بر همین اساس گذشت.

تا در قرن ۱۷ میلادی گرماسنج و در قرن ۱۹ میلادی تلگراف و به‌تدریج چیزهای لازم در هواشناسی؛ کشف و اختراع شد. و کم‌کم دانشمندان به تحقیق پرداختند تا در نیمه‌ی اول قرن بیستم میلادی دانشمند نروژی «بیرکنس»^۱ موفق شد؛

قاعده‌ی عمومی تشکیل و تحرک مجموعه‌ی ابرها و پیدایش طوفان‌ها و باران‌های همه‌جایی را اعلام کند. پس از دامنه‌ی اکتشافات، این دانش. همانند سایر رشته‌ها. بسیار پیش رفت: کیفیت آبستنی ابر؛ جدا شدن باران از آن، شکل‌گیری و سقوط تگرگ و مسائل مربوط به صاعقه و تندر و آذرخش و طوفان‌های مناطق گرمسیر؛ جریان سراسری بادهای مجاور زمین و مسائل دیگر تا حدود زیادی آشکار شد.^۱

و اما نظر قرآن حدود پانزده قرن پیش به هنگامی که از باد و باران و غیره سخن می‌راند درست

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۲۳

همان است که آخرین کشفیات جدید هواشناسی
بدان دست یافته است:

مثلاً: امروز ثابت شده است که ابر ممکن است
با وجود آن که به حالت اشباع رسیده باشد، تقطیر
نشود و یا اگر هم بشود، دانه‌ها چنان ریز باشند که در
هوا معلق بمانند و سقوط نکنند و باران نبارد مگر
آن که به وسیله‌ی ذرات نامرئی نمک که به وسیله‌ی باد
از روی دریا آورده می‌شوند بارور گردند.

و یا مهم‌تر از آن: رطوبت هوا به دور برکه‌های
متبلور برف که در ارتفاعات بالاتر بسته شده و
به وسیله‌ی باد پاشیده می‌شود؛ جمع گردد و سرانجام
قطرات ریز و نخستین باران در اثر اختلاط و تصادم
و تلاطم بادهای، به هم پیوندد تا رفته‌رفته درشت و

۲۴ / قرآن اعجاز جهانی و جاودانی

درشت‌تر شده و بر اثر وزن نسبتاً زیاد خود، از خلال توده‌های ابر ساقط گردد.^۱

در صورتی که قرآن کریم در ۱۴ قرن قبل تصریح کرده است که:

ما بادها را برای تلقیح می‌فرستیم و به وسیله‌ی آن از آسمان آب فرو می‌ریزیم و شما را سیراب می‌کنیم.^۲

ب: پس از اختراع هواپیما و امکان پروازهای بلند؛ دانش بشری و دید او از حدّ ابرهای متشکل و مستور از سوزن‌های یخ در گذشت. تا این هنگام

۱. باد و باران در قرآن، ص ۶۰-۵۹.

۲. و ارسلنا الرّیاح لواقح فانزلنا من السّماء ماء فاسقینا کموه (سوره حجر، آیه ۲۲).

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۲۵

کسی نمی‌دانست که در آسمان و بر فراز سر مردم
کوه‌هایی از سوزن‌های یخ موجود است.^۱

اما قرآن با قاطعیت کامل می‌گوید:

«وَيُنزَلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ».^۲

خدا از کوه‌های یخی که در دل آسمان است

(برف و تگرگ و باران) نازل می‌کند.

ج: موجودات زنده در کرات؛ با آن‌که بشر به کمک

دانش فضایی، در ماه گام گذاشته است اما هنوز

وجود موجودات زنده در کرات آسمان از مرحله‌ی

تئوری، در نگذشته است و تنها با نشانه‌های زیادی

۱. باد و باران در قرآن، ص ۱۴۳ - ۱۴۰.

۲. سوره نور، آیه ۴۳.

۲۶ / قرآن اعجاز جهانی و جاودانی

احتمال می‌دهند که در بعضی از کرات موجودات زنده‌ای از قبیل: حیوان و یا انسان یافته شود.

اما قرآن بدون ابهام می‌فرماید:

«و از نشانه‌های خداست: آفرینش آسمان و زمین و آنچه در آن دو از جنبندگان پراکنده است و او بر گردآوردن آنها، آنگاه که بخواهد توانا و قادر است.»^۱

د: در سوره یس، آیه ۳۶ آمده است:

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ
وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ.

۱. سوره شوری، آیه ۲۹، کلمه «دآبه» در این آیه بر هر چه که جنبنده است از انسان و حیوان، اطلاق می‌گردد.

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۲۷

منزّه و پاک است آن که آفرید همه‌ی زوج‌ها را:
از آنچه زمین می‌رویاند و از خودشان و از آنچه
نمی‌دانند. و در سوره‌ی طه، آیه‌ی ۵۳ می‌خوانیم:
وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ
نَّبَاتٍ شَتَّى.

و از آسمان آبی فرود آورده پس به آن
زوج‌هایی از گیاهان و رویدنی‌های گوناگون پدید
آوردیم.

در زمان‌هایی که دانش بشری، هنوز اجازه
نمی‌داد که مفسّران عالی‌قدر بدانند گیاهان و
رویدنی‌ها زوج و جفت دارد؛ زوجیت را به اصناف
و انواع و یا صورت و ماده و سایر اصطلاحات
فلسفی - که در حوزه‌ی قرآن راه ندارند - توجیه و

تفسیر می‌کردند. اما امروز بر اساس تحقیق‌های جدید، دریافته‌اند که نه تنها انسان و حیوان، جفت آفریده شده‌اند، بلکه رویدنی‌ها نیز جفت دارند. یکی از شگفت‌ترین پدیده‌های این جهان، جفت‌گیری و تلقیح گیاهان است که در کتاب‌های دانش طبیعی، ذکر شده است.

قرآن تحدّی می‌کند^۱

قرآن نه تنها از جهت فصاحت و بلاغت، بلکه همان‌طور که اشاره شد، در همه‌ی عرصه‌های فکری و اجتماعی بشری؛ و برای همه‌ی طبقات معجزه است:

۱. تحدّی در لغت: قصد کردن، برابری کردن در کاری و در اینجا مقصود: کسی را به مسابقه در برابری، دعوت کردن.

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۲۹

برای سخن‌سنجان از جهت فصاحت و بلاغت.

برای حکما از جهت حکمت.

برای دانشمندان از جهت جنبه‌های علمی و...

به همین جهت، قرآن، خطاب به همه

جوامع می‌گوید:

اگر می‌گویید این کتاب، کلام بشر است؛ پس

مانند و برابر با آن را بیاورید:

۱- سوره‌ی اسراء آیه ۸۸:

اگر جن و بشر فراهم آیند تا مانند این قرآن

آورند نتوانند؛ هرچند برخی از ایشان، دیگران را

پشتیبانی کنند.

۳۰ / قرآن اعجاز جهانی و جاودانی

۲- سوره ی هود، آیه ی ۱۵:

می گویند آن - قرآن - را به دروغ بسته است؛
بگو ۱۰ سوره چون همان دروغها بیاورید، و هر که
را جز خدا می توانید؛ بخوانید تا شما را یاری دهد،
اگر راست می گوید؛ و چنانچه پاسختان نداند،
بدانید، به علم خدای فرود آمده است و بدانید جز او،
خدایی نیست.

۳- سوره بقره، آیه ۲۳:

اگر نسبت به آنچه بر بنده ی خود
(=محمد(صلی الله علیه و آله)) فرود آوردیم شک
دارید، سوره ای مانند آن بیاورید.

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۳۱

اما به گواهی تاریخ می‌بینیم که از آن زمان تاکنون هیچ‌کس در این راه، جرأت برابری کردن نداشته است.

البته در زمان محمد (صلی الله علیه و آله) و پس از رحلت آن گرامی، برخی از عرب چون مسیلمه، سجاح، ابن ابی العوجاء از این راه درصدد معارضه برآمدند، اما نتوانستند و سرانجام به ناتوانی خویش اعتراف کردند.

در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) دشمنان اسلام که در راه مبارزه با او از سخت‌ترین راه‌ها گذشتند: مانند شکنجه دادن مسلمانان، در محاصره‌ی اقتصادی گذاردن آنان، توطئه برای قتل محمد

۳۲ / قرآن اعجاز جهانی و جاودانی

(صلی الله علیه و آله) و... تن به کار آسانی چون
«آوردن یک سوره شبیه قرآن» ندادند.

در زمان حاضر نیز برخی از دشمنان که در راه
کوباندن اسلام میلیاردها دلار خرج می کنند؛ حتماً اگر
می توانستند، از این راه بی خرج و آسان (= آوردن
سوره ای مانند قرآن)؛ با اسلام مبارزه کنند، تاکنون این
کار را کرده بودند و خبر آن را چون بزرگترین سند
پیروزی خود و شکست اسلام، در همه ی شیپورهای
مخابراتی عالم می دمیدند.

اعجاب و اعتراف دانشمندان بیگانه

دانشمندان اروپا در عصر بلندگرایی انسان نیز به
اعجاز قرآن اعتراف کرده اند:

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۳۳

یک بانوی دانشمند ایتالیایی - استاد
دانشگاه ناپل - می گوید:

کتاب آسمانی اسلام، نمونه‌ای اعجاز آمیز
است... از آن تقلید نمی‌توان کرد.

اسلوب و سبک آن در ادبیات عرب بی‌سابقه
است.

تأثیر ویژه‌ی آن در روح آدمی، ناشی از امتیازات
و برتری‌های آن است... چگونه ممکن است چنین
کتابی، کار محمد (صلی الله علیه و آله) باشد
در حالی که او یک عرب درس ناخوانده بود...

ما در این کتاب، گنجینه‌هایی از دانش‌ها می‌بینیم
که از گنجایش هوش بزرگ‌ترین فیلسوفان و

۳۴ / قرآن اعجاز جهانی و جاودانی

سیاستمداران برتر است، به همین دلایل قرآن اثر یک فرد تحصیل کرده نیز نمی تواند باشد.^۱

استاد سنایس می گوید: بی گمان قرآن همان قانون همگانی و کاملی است که از هیچ سو، باطل در آن راه ندارد. پس شایسته‌ی همه‌ی زمان‌ها و مکان‌هاست و اگر مسلمانان چنانکه باید، بدان چنگ زنند، دوباره سیادت گذشته‌ی خویش را بازخواهند یافت.^۲

جان ویلیام دروپر J.W.Droper می گوید: قرآن یادآوری‌های اخلاقی، بسیار دارد. سبک نگارش آن به گونه‌ای تنظیم یافته است که ما، به هیچ صفحه‌ای از

۱ . پیشرفت سریع اسلام، ص ۴۹ به بعد.

۲ . تفسیر نوین، تألیف محمدتقی شریعتی، ص ۴۲.

درسهایی از اصول دین، شماره پانزدهم / ۳۵

آن در نمی‌نگریم مگر آن‌که عالی‌ترین نوشته‌ای را که هر کس باید بپسندد، در آن خواهیم یافت. این بنیاد ویژه، که به گونه‌ی پاره‌های کوتاه آمده است، مطالب و شعارها و قوانینی است که به خودی‌خود کمال دارد و برای همه‌ی مردم، در همه‌ی نشیب و فرازهای زندگی، قابل بهره‌برداری است»^۱.

در پایان، این یادآوری دریغ‌آلود و حسرت‌زای، لازم است که: اگر ما با قرآن آشنا شویم و برنامه‌های بلند و شکوهمند و دقیق آن را به کار بندیم، سیادت و برتری همه‌جانبه از آن ما خواهد بود.

بنیان‌های بلند عظمت ما مسلمانان هنگامی فرو ریخت، که دست از عمل کردن به فرامین این کتاب

۱. تاریخ ترقی فکر اروپا - لندن ۱۸۷۵، ص ۳۴۴-۳۴۳.

۳۶ / قرآن اعجاز جهانی و جاودانی

آسمانی برداشتیم، پس به زمین خوردیم، چون از اسلام تنها به نام آن اکتفا کردیم.

بزرگی از دست رفته هنگامی بازمی‌گردد، که ما نیز از این راه کج بازگردیم و از نو مسلمان شویم، و قرآن را بر فراز دیده‌ی دل و خرد بگذاریم و بگشاییم و آن را سرمشق زندگی کنیم که پیامبر فرمود:

«إِذَا التَّبَسْتُ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ،
فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ...»^۱ هنگامی که فتنه‌ها چون پاره‌های
شب تیره بر شما فرو پیچد، به قرآن دست‌آویزید.

پایان